[301] پس از آنکه آنان را از کار خود بازداشته، وحجت ودلیل را برایشان تأکید نمودی، با آنان کارزار کردی، بیعتت را شکسته وبر پروردگار و جدت خشم نموده وباتو جنگیدند، بر زخم زبانها وضربه ها ایستادگی کرده، ولشکریان ستمگر را درهم کوبیدی، در گرد وغبار بر خاسته در میدان کارزار با ذوالفقاری وارد شدی که گویاعلی مرتضی در آنجا حضور دارد. آنگاه که ترا پایدار وثابت قدم وشجاع یافتند، با شرارت وکینه توزی قدم به میدان گذارده، با حیله وبدی خود با تو جنگیدند، وآن شخص ملعون به لشکریانش دستور حمله داد، ترا از آب ووارد شدن به آن بازداشته وبجنگ وکارزار کشاندند، وبراین امر شتاب ورزیدند، تیرها و سنگها را بطرف تو پرتاب کرده ودستهای جنایتکارشان را برای نابودیت گشودند. احترام ترا حفظ نکرده، واز عواقب کارهایشان در کشتن فرزندان و تاراج اموالت نهراسیدند، تو پیشقدم در سختی ها وتحمل کننده آزار و اذیتها بودی، فرشتگان آسمانی از صبر وشکیبائی ات در شگفت شدند. پس از هر سو تو را محاصره کرده وزخمهای عمیقي بر تو وارد ساختند، در حالیکه برای تو یاوری نمانده بود میان تو وشب مانع شدند، تو متحمل رنجها وصبور وشکیبا بودی، واز زنان وفرزندانت دفاع می نمودی.
